

A New Look at the Valuation of Women's Gender in the Interpretation of Verses 222 and 223 of al-Baqarah and 6 of al-Imran

Razieh al-Sadat Kermajani  / PhD student in Quran and Hadith at Hamadan University and teacher at the Faculty of Quranic Sciences in Kermanshah

Raziehalsadat.113.m@gmail.com

Received: 2024/09/19 - Accepted: 2025/02/17

Abstract

The status of women in the Quran is one of the important topics of women's studies that the Holy Quran addresses in verses related to women, including verses 222 and 223 of Al-Baqarah and 6 of Al-Imran. The inappropriate behavior of some men in society has given opponents of Islam an excuse to claim that women in Islam do not have human perfection and character. Using a descriptive-analytical method, this study has shown that in verses 222 and 223, this point and subtlety are mentioned in the two areas of the womb and its purification and preparation for the emergence of the divine command and will, just as in the second verse of Surah "Insan", the position of women in the issue of the realization of creation, which is at the disposal of the mixed sperm, is implicitly addressed, which leads to positive valuation.

Keywords: gender, female, tillage, Yusaverukum (He who forms you), menstruation.

نوع مقاله: ترویجی

نگاهی نو به ارزش گذاری نسبت به جنسیت زن

در تفسیر آیات ۲۲۲ و ۲۲۳ بقره و ۶ آل عمران

رضیه السادات کرمانجانی / دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه همدان و مدرس دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه

Raziehalsadat.113.m@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹

چکیده

جایگاه‌شناسی زن در قرآن از جمله مباحث مهم زن‌پژوهی است که قرآن کریم در آیات مربوط به زنان از جمله آیات ۲۲۲ و ۲۲۳ بقره و ۶ آل عمران بدان پرداخته است. برخورد نامناسب برخی مردان در جوامع موجب شده تا بهانه‌ای به دست مخالفان اسلام بیفتد و ادعا کنند که زن در اسلام، از کمال انسانی و شخصیتی برخوردار نیست. از این رو انجام پژوهش در موضوعی که مربوط به جایگاه ارزشی جنس مؤنث است ضرورت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نشان داده است که در آیه شریفه ۲۲۲ و ۲۲۳ به این نکته و ظرافت در دو حیطه رحم و پاک‌سازی و مهیا نمودن آن برای ظهور امر و اراده الهی اشاره شده، چنان که در آیه دوم سوره «انسان»، تلویحاً به جایگاه زن در مسئله تحقق خلقت که در اختیار نطفه ممزوج است پرداخته شده که منجر به ارزش گذاری مثبت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، مؤنث، حرث، یصور کم، محیض.

مقدمه

موضوع «زن» و چگونگی نگاه اسلام به او یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در حوزه اندیشه اسلامی است. منتقدان اسلام همواره نوع تعاملی را که در سطح جوامع اسلامی و برخی متون میراث اسلامی، با زن شده است، دستمایه خرده‌گیری بر اسلام قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که وضعیت واقعی زنان در جوامع اسلامی همان چیزی است که از متون مقدس برمی‌آید، یعنی آموزه‌های دینی و مقدس به زن نگاهی دارد که او را موجودی «درجه دو» می‌داند که در عقل، ایمان، کمال، هوش، شخصیت و دیگر توانایی‌های فردی به پای مرد نمی‌تواند برسد و نقش‌های زنان مانند زایمان و خانه‌داری را فعالیتی پست و کم‌ارزش شمرده و مردان را به دلیل انجام کارهای خاص انسانی مانند تعقل، برتر دانسته‌اند (آکین، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰-۱۳۴؛ ارسطو، ۱۳۸۱، ص ۲۶۷-۳۰۸).

واژه «انث» در کاربردهای قرآنی در همه موارد از سوی مفسران و مترجمان قرآن کریم، بدون مشکل به معنای «مادینگان» بازگردانده شده است. واژه «انث» ۶ بار در قرآن به کار رفته و مفرد آن «انثی» ۱۸ بار و به صورت مثنی، «انثیین» ۶ بار دیده می‌شود؛ معنای این واژه چه مفرد و چه جمع در کاربردهای قرآنی وحدت معنایی دارد. جز در آیه ۱۱۷ سوره نساء که مصداق آن عوض شده (بت‌ها) در مابقی موارد (انثی، انث به معنای مادینه، مادینگان) اعم از انسان و غیر انسان بازگردانده شده است. در کهن‌ترین واژه‌نامه عربی، یعنی کتاب العین نیز اشاره شده است که «انثی» مقابل ذکر «ترینه» از هر چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۴۴؛ ازهری، ۱۹۸۱، ج ۱۵، ص ۱۴۵).

حقیقتاً بدون شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی‌ها، و ظرفیت‌های دنیای شگفت‌انگیز بانوان و آگاهی از جایگاه حقیقی آنان در آیات و روایات، استفاده درست و دقیق از عواطف و ادراکات و توانایی‌های جسمی و روحی زنان مقدور نیست. در این نوشتار به مبانی نظری، پژوهش‌های اندیشمندان و مفسران و لغت‌شناسان و دیدگاه نویسنده می‌پردازیم.

وجود آیات مربوط به زنان از جمله آیات ۶ آل عمران، ۲۲۲ و ۲۲۳ بقره و احکام اختصاصی آنان و ناآگاهی زنان از جایگاه خود و مردان درباره آنان، سبب پدید آمدن نگاهی تحقیرآمیز و نکوهش‌گر نسبت

به زنان گردیده است. در مفهوم امر ارزشی، معمولاً گزاره‌های فلسفی ناظر به واقعیت و حاکمی از «هست‌ها و نیست‌ها» را در برابر گزاره‌های ناظر به «باید و نباید» قرار می‌دهند. باید‌ها و نبایدها که در حوزه عمل انسان قرار دارند، از دو صورت برخوردارند: بخشی از آنها در اخلاق، و بخش دیگر را در حقوق دسته‌بندی می‌کنند. اخلاق یا فضایل، محتوای ارزشی دارند، درباره محتوای امر اخلاقی یا چیستی آن آراء گوناگونی وجود دارند که اندیشمندان علم فلسفه اخلاق به آن پرداختند، مبانی خود را در تعریف امر اخلاقی و ارزشی قرار داده‌اند که امر ارزشی در مقابل حقوق، اعم از تکالیف آن است که ضمانت اجرای بیرونی ندارد و انگیزه‌ها و نیاز فرد در آن جایگاه مهمی دارند. درواقع فرد بنا بر انگیزه‌های درونی گوناگون، خود را به رعایت امری اخلاقی پایبند می‌سازد، بدون آنکه ضمانت خارجی الزام‌آوری برای آن وجود داشته باشد، پس از توافق و یکسانی زن و مرد در ارزشمندی، می‌خواهیم بدانیم آیا میان جنسیت و ارزش‌ها رابطه وجود دارد یا نه؟ آیا توانایی مردان و زنان برای رسیدن به دسته‌ای از ارزش‌ها متفاوت از یکدیگر است، به این معنا که زنان در رسیدن به یک فضیلت از مردان ناتوان‌تر باشند؟ یکی از آیاتی که ظاهر آن با جایگاه و منزلت ارزشی زن تعارض دارد، آیه ۲۲۳ سوره بقره است که زن را در حد کشتزار پایین آورده، که با بررسی مفهومی می‌توان به معنا و مقصود آیه دست یافت. قرآن کریم متناسب با ویژگی‌های جنسیتی زن، کارکردهای خاص فردی و خانوادگی، نقش‌های اجتماعی را برای وی قرار داده است. از این رو احکام و دستورات مختص زنان تابع فرهنگ زمانه و مقتضیات زمان نبوده و متناسب با ویژگی‌های جنسیتی زن در زمینه فردی، خانوادگی و هماهنگ با نظام تکوین و تشریع است.

پژوهش حاضر بر آن است که دریابد چگونه به تعارض بدوی موجود در آیه باید پاسخ داد، به گونه‌ای که با مقام و جایگاه ارزشی زن از نگاه اسلام و قرآن سازگار باشد.

در سالیان اخیر، پژوهش‌های ارزنده به‌منظور بازخوانی متون اسلامی در مباحث مربوط به زنان انجام و آثار ارزشمندی به مشتاقان ارائه شده و حوزه مطالعاتی جنسیتی را به‌مثابه یکی از حوزه‌های تخصصی جدی نگرفته و بدون برخورداری از تخصص در این حوزه،

انسان، ارائه تعریفی از او و برشمردن ویژگی‌های وجودی اوست. تعیین جایگاه انسان نیز به همین تعاریف و شاخص‌های انسان‌شناسی بازمی‌گردد.

۱. جایگاه ارزشی زن

تعیین جایگاه انسانی زنان بحثی مهم و پر دامنه‌ای است که آثار فراوانی در زندگی آنان به‌طور ویژه، و در زندگی نوع انسان، به طور عام داشته است. این بخش در بیان نگرش‌های انسان‌شناختی به زنان است که در واقع چه رویکردهای مهمی در نگرش به جایگاه و موقعیت انسانی زنان در تاریخ اندیشه وجود داشته است. منظور از تبیین در جایگاه انسانی زن که برخی از بزرگان، مبنای تجربه را برای اثبات اشتراک مرد و زن در جایگاه انسانی استفاده کرده‌اند. روح از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی همان نفس است، از این جهت فرمودند: روح انسانی حقیقت مجرد از ماده است. جنسیت امری جسمانی و مادی است. و زن و مرد در روح انسانی مشترک‌اند، از آنجاکه حقیقت و اصل انسانیت به روح است، پس زن و مرد در انسانیت برابر و مشترک‌اند. گفتنی است که اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی به معنای یکسانی و تساوی آنان در همه آثار نیست. همان‌گونه که همه مردان به‌میزله یکسان در همه آثار مساوی نیستند، ولی مشترک‌اند. زنان و مردان دارای صفات اولیه مشترک انسانی‌اند، ولی در همه آثار عین یکدیگر نیستند. بنابراین داشتن توانایی ادراک کلیات به معنای یکسانی در همه نمودهای آن نیست. مسئله ما اثبات اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی است؛ یعنی اشتراک آن دو در این جایگاه و تصاویر آنها از همه جنبه‌ها (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳-۲۴۸).

در قرآن آیاتی وجود دارد (اسراء: ۷۰؛ حجرات: ۱۳؛ تین: ۴؛ نحل: ۹۷؛ غافر: ۴۰؛ نساء: ۱۲۴) که از آنها، اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی استفاده می‌شود. اشتراک زن و مرد در راه‌های وصول به سعادت، ادراک امور کلی، قدرت استنتاج، ادراک خوبی و بدی، اختیار، انتخاب و مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال.

۲. تفاوت‌های تکوینی زن و مرد

تفاوت‌های تکوینی به تمایزاتی اشاره دارند که اکتسابی نیستند و از

صرفاً با تکیه بر مطالعات عمومی یا تخصصی غیرجنسیتی در این باره قلم زده‌اند. با توجه به ردیابی کردن پژوهش‌هایی که در مورد شخصیت زن در آیات اختصاصی در پایگاه‌های علوم انسانی صورت گرفته است، می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد:

مقاله «تحلیل و نقد معنای واژه انی در ترجمه‌های فارسی قرآن با تأکید بر نقش سیاق در ترجمه» (مولوی و دیگران، ۱۳۹۴)، که دیدگاه‌های مفسران و فقها و روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} و معنای صحیح «انی» را تبیین کرده است.

مقاله «زن در مفاهیم بدیع قرآنی» (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹).
مقاله «دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی انتقادی آرای نواندیشان معاصر درباره آن (ابراهیمی و دیگران، ۱۴۰۱).

در حال حاضر، تاکنون به طور کامل تمام آیات اختصاصی مختص زنان در سه آیه، تحقیقی صورت نگرفته و به همین دلیل تلاش می‌شود در این پژوهش سه آیه به طور روشن تبیین شود تا با مجموع آنها ارزش و جایگاه زن بیان گردد. آیه ۶ آل عمران در واقع مکمل دو آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره می‌باشد؛ چراکه بحث «حرث» به رحم مربوط می‌شود و مانند این است که در خصوص بذر در مزرعه بحث شود، ولی زمین کشاورزی مورد بررسی قرار نگیرد. در سوره بقره نیز بذر رشد انسان بیان شده است و آیه ۶ سوره آل عمران نحوه رشد این بذر به صورت اجمالی به تصویر کشیده شده است.

روشن است که انجام پژوهشی با موضوعی که مربوط به حالات و جایگاه ارزشی زن در آیات است، ضرورت دارد، در پژوهش حاضر سعی می‌گردد با بررسی جایگاه ارزشی زن، حقیقت و هویت انسانی و شأن زن، پرداخته شود و همچنین برای نهادهایی که به مطالعات زنان می‌پردازند، با رویکرد جدیدی که دارد مورد استفاده قرار گیرد. امروزه کتب مجموعه‌ای مانند دائرةالمعارف‌ها به موضوع زنان از زوایای علمی مختلف پرداخته‌اند و اساساً جوان امروز منتظر نگاه نو می‌باشد. در این مقاله سعی شده از افقی جدید به آیات و روایات پرداخته شود و همچنین گسیل داشتن زنان در کل جهان به اهمیت و ارزش‌شان در خلقت و حرکت به سمت خودشناسی و ارتباط با کتاب و عترت، نیازمند شرح و تفسیر و بیان نکات ظریفی از آیات است. یکی از دغدغه‌های اساسی در تاریخ تفکر بشر، تعیین جایگاه

يُصَوِّرُكُمْ «تصویر» صورت‌دهی و شیء را دارای صورت ساختن است. صورت، چیزی است که اشیا با آن نقش‌دار و دارای تمثال می‌شوند و با آن از هم جدا می‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۴۲۶). صورت دو گونه است: ۱. محسوس که همه انسان‌ها، بلکه حیوانات آن را به عیان می‌بینند؛ مانند صورت انسان، اسب؛ ۲. معقول که تنها خواص از انسان‌ها آن را ادراک می‌کنند؛ مانند صورت عقل و اندیشه که مخصوص انسان است. در آیه «يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» به هر دو صورت اشاره شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹۷، ذیل واژه «ص و ر»).

فرق صیغه و صورت در این است که دلالت صیغه به استناد وضع لغوی و دلالت صورت به استناد جعل تکوینی است که ویژگی جعل را می‌فهماند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱-۲، ص ۶۹۸). به این معنا می‌باشد که صیغه امر اعتباری و موقت است و قابلیت تغییر را دارد، اما صورت این امکان را ندارد و همان چیزی می‌باشد که خداوند متعال از ابتدا مقدر کرده است.

در قرآن، تصویر هر گاه متعلق آن ذکر شده فقط در مورد انسان آمده است، گویا از میان مخلوقات تنها او برای پذیرش صورت وجودی شایستگی دارد.

یکی از اسمای حسنی حق تعالی «مصور» است: «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (حشر: ۲۴)، که مصور به نحو مطلق ذکر شده است. الحسنی مؤنث الاحسن و به اصطلاح صیغه افضل تفضیل است؛ یعنی بهترین و زیباترین اسم‌ها مختص خداست و تمام اوصاف احسن است (مؤمنون: ۱۴).

بر اساس نظم طبیعی، خداوند متعال هر عضوی را متناسب و موزون آفرید و پس از تکمیل آن، صورت‌سازی کرد و چون همه اوصاف او احسن است، آفرینش او بهترین و صورت‌نگاری‌اش هم زیباترین است.

در روایات واژه «صورت» درباره آفرینش فرشته‌ها نیز آمده است، چنان‌که امیرالمؤمنین^ع فرشتگان را چنین می‌ستاید که خدای سبحان فرشتگان را با صورت‌ها و درجات مختلف آفرید. آنان بال‌هایی دارند که با آن جلال و عزت حق را تسبیح می‌گویند.

در خطبه ۹۱ نهج البلاغه «أُولَى أَجَنَحَهُ تَسْبُحُ جَلَالِ عِزَّتِهِ»، به گفته ابن میثم بحرانی، از تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام^ع برمی‌آید

آغاز تولد شخص او را همراهی می‌کنند یا از صفات ثانویه جنسی در زمان بلوغ به بعد خود را نشان می‌دهند. گذشته از ایده‌پردازی‌های سطحی میان اندیشمندان، کسی را نمی‌توان یافت که هیچ تفاوتی را میان مردان و زنان باور نداشته باشد. بیشتر فمینیست‌ها نیز وجود تفکیک میان جنس و جنسیت، به تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان قائلند. از نگاه آنان واژه جنس (sex) به تفاوت‌های طبیعی که منشأ بیولوژیک دارد گفته می‌شود، مثل بارداری و زایمان در زنان و واژه جنسیت، به تفاوت‌هایی اشاره دارند که زائیده موقعیت‌های محیطی است (فرهنگ و اجتماع) (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۲۳-۳۲).

جنسیت در معنای لغوی، آن حالت و کیفیت جنس است، اما در جامعه‌شناسی دو واژه جنس و جنسیت برای اشاره به معنای زن و مرد به کار می‌رود. اساساً جامعه‌شناسان، جنس را به ابعاد بیولوژیکی زن و مرد محدود می‌کنند و جنسیت را اجزای غیربیولوژیکی جنس می‌دانند (گرت، ۱۳۸۵، ص ۱۰) و در به‌کارگیری واژه جنسیت، از شخصیت و روان زن و مرد صحبت می‌کنند.

گذشته از تفاوت‌های تکوینی، اعم از تفاوت‌های بدنی، تفاوت در حوزه گرایش‌ها و رفتارها را نیز دربر می‌گیرد. در قرآن گاهی به ویژگی خاصی برای مردان یا زنان اشاره شده است و گاهی در تعدیل و بیان حکمت یک حکم شرعی، ویژگی مردانه یا زنانه بیان گردیده است. قرآن از نظر سندی دلیل قطعی است، ولی باور به تفاوتی که میان مردان و زنان مطرح می‌سازد تابع مقدار دلالت و محتوای آیات شریف است. افزون بر آیه‌هایی که بر دلالت تطابقی به تفاوت‌های کلی اشاره دارند، آیاتی نیز وجود دارند که تفاوت‌های مردان و زنان را در حقوق و تکالیف بیان می‌کنند. اگر اصل ارجاع تفاوت‌های حقوقی به تفاوت‌های تکوینی را بپذیریم، آیات ۲۲۲ و ۲۲۳ بقره و ۶ آل عمران از وجود تفاوت‌های تکوینی پرده برمی‌دارند.

۳. ارزش‌گذاری جنسیت مؤنث با توجه به واژه يُصَوِّرُكُمْ

صور: به فتح (ص) قطع. در/قرب الموارد آمده: «صَارَ الشَّيْءُ: قَطَعَهُ وَ فَصَلَهُ». همچنین است قول مجمع و صحاح و قاموس آن را به معنای میل دادن نیز گفته‌اند، ولی معنی قطع به قرآن مناسب‌تر است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۶۲).

از امیر مؤمنان علیؑ نقل است که نطفه زن و مرد در رحم سخت با هم درگیرند و هریک شدت و کثرت بیشتری داشته باشد، فرزند به صاحب آن شبیه می‌شود (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۸).
روایتی از ابن مسعود آمده که بیانگر ارتباط بین دو آیه (ع) آل عمران و ۱۴ مؤمنون) است: «فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا» که مراحل خلقت انسان در رحم را بیان می‌کند و بر پایه این روایت، مراحل تکوینی خلقت انسان تا مضغه شدن، صورتگری نیست، اما پس از مضغه شدن مصداق صورتگری است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۲۰؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴۴).

۴. رویکردی ارزشی به جنس زن با توجه به واژه «محيض»

حيض یکی از ویژگی‌های خاص زنان است که نشان از قدرت باروری و تولید نسل آنها دارد و این حالت می‌تواند موجب تغییر روحی در زنان شود. قاعدگی یک حادثه طبیعی و منظم و تکوینی در مسیر زندگی زنان است. این دوره شامل دفع ماهیانه خون و سایر ترشحات از رحم یک زن می‌باشد که به طور متوسط ۳ الی ۷ روز است (سلیمان پناه، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۵۱). مقدار خون از دست‌رفته طی یک چرخه قاعدگی طبیعی، به طور معمول بین ۲۵ تا ۶۰ میلی لیتر است که به‌طور متوسط در روز، سبب از دست رفتن ۶ درصد میلی گرم آهن خون زنان می‌شود. زنان با کوچک‌ترین استرسی در این دوران، ممکن است دچار اختلال عملکرد هورمونی شده، در نتیجه یک قاعدگی نرمالی نداشته یا به‌طور کلی قطع گردد (نوری‌زاد، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰-۱۱۱). برخی در این دوران قاعدگی خود کج‌خلق، بی‌حال، عصبانی و بسیار حساس می‌شوند (سلحشور، ۱۳۸۵، ص ۴۳). با توجه به این حالات زنان در این ایام، علت اینکه خداوند در قرآن به حیض «اذی» تعبیر کرده روشن می‌گردد: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى» (بقره: ۲۲۲)؛ از تو درباره عادت ماهیانه زنان می‌پرسند؛ بگو که حیض رنجی بدنی و روحی برای زنان است. کلمه «المحيض» مصدر میمی از «حيض» معنای فیضان و سیلان آرام از درون چیزی است، مانند روان شدن آرام شیر از درخت یا خون از رحم زن (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۶۰). هر چیزی ناخوشایند و ناگوار است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۳). محيض،

که بر فرشته‌ها قداست و تجرد دارد و نوع تسبیح آنها تسبیحی مختص مجردات است؛ زیرا اگر مراد حضرت تسبیح عمومی بود، پر مرغ هم تسبیح حق می‌گوید و طبق آیه ۴۴ سورة اسراء چنین تسبیحی را همه موجودات دارند و به فرشتگان یا بال‌های آنها اختصاص ندارد (بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۵۶).

بر پایه اطلاق برخی روایات، «صورت» برای همه مخلوقات است نه فقط انسان (نهج البلاغه، ۱۳۸۸، خطبه ۱۶۳، بند ۹). خداوند احسن الخالقین است، یعنی خلق او احسن الخلق است، تصویر او نیکوترین تصویر است. از این رو می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» (غافر: ۶۴). تصویر بر پایه مشیت الهی و با حفظ اختیار صورت می‌گیرد، خداوند در مشیمه و رحم مادر، اجزای وجود انسان را در ابتدا به نحوی تنظیم می‌کند که آن گونه که خود می‌خواهد پایان می‌پذیرد، نه آن گونه که پدر و مادر می‌خواهند، کار آنها اِمناء است و اصل آفرینش به خدا ارتباط دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵). «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقع: ۵۹-۵۸).

تصویر الهی در رحم، دو بخش منسجم و هماهنگی دارد؛ یکی راجع به قلمرو بدن که پایگاه آن را «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» تأمین می‌کند و دیگری راجع به قلمرو روح که منزلت آن «وَوَفَّقْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» می‌باشد. آنچه مربوط به جنسیت (مذکر و مؤنث) و نیز تخطئه اعضا، جوارح، و اندام (خلق) است در حوزه تصویر تن، و آنچه مربوط به جان از لحاظ ایمان و کفر، طهارت و ناپاکی و سعادت و شقاوت (خلق) است، در حوزه و قلمرو روح است.

تصویر الهی شامل صورتگری و سیرت‌بخشی است، تفاوت اساسی صورت و سیرت، تنها در مادی و مجرد بودن نیست، صورت همراه با اختیار نیست، ولی سیرت همراه اختیار است. بنابراین حُسن و قبح ظاهری در صورت، تعیین‌کننده سعادت و شقاوت نیست، ولی حُسن و قبح باطنی در سیرت، عامل تعیین‌کننده است (صدوق، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۶). و سرّ تصویر هر کسی به صورتی خاص، حکمت اوست و چگونگی تصویر انسان و گوناگونی صور برای آن است که خداوند از راه تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفس، آنان را به حکمت برسانند. پس مَصُور به نحو اطلاق و بالذات و بالاصاله اوست و صورتگری دیگران مظهر صورت‌دهی اوست (ابن عربی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۱).

مصدر میمی است که صلاحیت دارد برای حدث و زمان و مکان به کار رود (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۶۳). مفسران در معنای «ذی» در آیه، اذیت را شامل حال زن یا همسر می دانند.

در این دوران زنان نیاز به استراحت و دوری از هر تنش را دارند و به همین خاطر خداوند آنها را از برخی فرائض دینی معاف داشته تا بتوانند ضعف خود را جبران نمایند و برای امر مادری مهیا گردند. خداوند متعال رسالت مادری را بر عهده زن قرار داده است و در راستای آن، مقدماتی را فراهم ساخته است، عادت ماهیانه یکی از این مقدمات است که تغییراتی را در جسم و روان زنان ایجاد می کند. این امر از نظر علم پزشکی و تجربه مورد اثبات قرار گرفته است که پیچیده بودن دستگاه تناسلی زن نسبت به مرد، تحولات هورمونی و تغییرات آن در هر ماه در طول عمر زن، مسائلی همچون قاعدگی، آبستنی، زایمان، شیردهی، یائسگی را پدید می آورد و بر جسم و روان و کار و رفتار زن تأثیر می گذارد (آسیموف، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸). اگر قرآن به زن دیدگاه ارضای جنسی صرف برای مرد داشت، دیگر چه لزومی داشت در آیه محبض، آمیزش با زن در دوره عادت ماهیانه را ممنوع و حرام اعلام کند! قرآن نگاه متعالی به این مسئله دارد و آن توسعه حیات و انسان سازی است.

۵. صورتگری انسان در رحم زن

زن هویت و دارایی به نام رحم دارد، رحمی که محل صورتگری است. یکی از داشته های تخصصی، خلق است، تکوین یک مخلوق، و زن نقش آفرینی دارد در استمرار تحولات آن مخلوق تا از علم الهی به عین بیاید، رحم به عنوان وسیله ای انتخاب شده که شرافت آن به جهت محقق شدن امر و اراده الهی است، محلی که محل تکون خلقت است. ریشه اصلی در کلمه خلق، ایجاد نمودن چیزی است با کیفیت، مخصوصاً که اراده الهی موجب آن شده و مقتضای حکمت اوست و نظر به ابداع و ایجاد، از جهت کیفیتی است که در سابق وجود نداشته است و نظر در تقدیر به جهت تعیین است، همنشینی بصورکم در کنار افعالی مانند یشاء آن را محدود و محصور در ذات باری تعالی دانسته است که اوج اراده الهی را در این امر می رساند و هیچ کس به آن علم نمی یابد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۷).

يُصَوِّرُكُمْ در آیه از مفهوم صورتگری پرده برمی دارد، شکل بندی

صورتی که قبلاً آن صورت را نداشته است. (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲). ترکیب ارکان و عناصر، امتزاج آنها، مزاج ها، ارحام حاصل می شود و از ارحام که کارخانه های گوناگون هستند و مهم ترین آنها کارخانه آدم سازی است این همه برکات، انسان ها که ثمره شجره وجود هستند در این محل مقدس متکون و حاصل می شود (ر.ک. حسن زاده آملی، ۱۳۹۹، ج ۲). این رحم در مقطعی پاک سازی تکوینی دارد و زن در خدمت به این آماده سازی قرار دارد و مکلف به تجربه و صبر و انجام اعمالی است که به مهبیای پذیرش شدن منتهی می شود. «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۶).

شکل گیری جنین در رحم، نشانه دیگری از قیوم بودن خداوند است، او کسی است که شما را آن گونه که می خواهد در رحم ها صورتگری می کند، و او قادر شکست ناپذیر است. در این آیه، خداوند با ضمیر «هو» صورتگری در ارحام را به خود نسبت داده است، گرچه به هر کاری قادر است «کیف یشاء». در اینجا مراد اراده است؛ زیرا در افعال الهی دو چیز بیشتر تصور نمی شود، یکی علم به صلاح، و دیگری اراده است؛ زیرا نفس بصورکم دلالت بر ایجاد می کند. ایجاد صورت طبق اراده الهی است، کاری برخلاف حکمت نمی کند: «هو العزيز الحكيم» (قراآتی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۱۵). درواقع وجود رحم در زن او را در موقعیت و شرایط فکری سمعی، بصری نسبت به خویش و مخلوقی که همراه اوست قرار می دهد که یکی از مبادی مهم در حوزه اخلاق است. همان ظرفیت های شناختی انسان که موجب قابلیت او در پذیرش تکالیف الهی می شود.

۶. جلوه های کرامت زن

مهم ترین ویژگی و کرامتی که خداوند متعال به انسان بخشید، مقام خلیفه اللهی است؛ یعنی هویت انسان همچون آینه ای است که جمال خدا را بازمی تاباند و هیچ غبار غیریت (تعلق به غیر خدا) بر چهره این آینه ننشسته است؛ به گونه ای که تمام لایه های درونی هستی انسان را فطرت خداخواه و خداجوی او تشکیل می دهد و وجود فطرت الهی، بهترین ویژگی های آفرینش او و یکی از جلوه های کرامت بنی آدم است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۳۳۰). بر اساس اصل عدالت الهی، همه انسان ها به حکم انسانیت، حرمت و کرامت

۷. جایگاه ارزشی عقل در زن و مرد

در باب تفاوت عقل زن و مرد لازم به ذکر است عقل را اصولاً از دو جنبه بررسی می‌کنند: عقل نظری، عقل عملی.

عقل نظری؛ مربوط به مسائل تئوریک و شناختی است که در این زمینه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد، بلکه تجربه ثابت می‌کند که گاهی زنان در این مرحله از مردان برتر بودند، مثل نسبت قبولی در کنکور و المپیادها.

عقل عملی؛ مربوط به باید‌ها و نبایدهاست، به اینکه چه چیزی باید و به چه چیزی نباید عمل شود. در این مرحله، حوزه عملکرد زن و مرد متفاوت است؛ چراکه عمل در برخی از حوزه‌ها اصولاً نیازمند ویژگی‌های خاصی است که ممکن است هریک از زن و مرد نداشته باشند، این تفاوت نمی‌تواند جنبه ارزشی داشته باشد؛ چراکه بازمی‌گردد به برخی ویژگی‌های طبیعی، به‌طور مثال، زن به خاطر ویژگی‌هایی مثل ظرافت، دقت، ریزی، صبر و شکیبایی قادر به انجام کارهایی است که اصلاً مرد توانایی آن را ندارد، چون ویژگی‌های طبیعی‌اش اجازه نمی‌دهد، برعکس، مرد به دلیل داشتن نگاه کلان، استفاده از سختی و خشکی در مدیریت و کلی‌نگری قادر است کارهایی را انجام دهد که زن، قادر به انجام آن نخواهد بود. عقل عملی متوجه حقایق است و حسن نیت و اراده خیر را به انسان می‌دهد و بنیاد عقاید دینی و اخلاقی را استوار می‌سازد و منشأ ایمان است نه تشکیک (علائی رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۶). مقصود از نقص، کاهش ارزشی نیست، چنان‌که محدودیت‌های زن در هنگام بارداری در برابر رویدادهایی که تنظیم رابطه با آنها احتیاج به قدرت نقص و کاهش ارزشی نیست. زن در حال بارداری در بااهمیت‌ترین جریان حیات در حال تلاش است که عبارت است از: اشتغال به رویاندن بذر انسانی که بدون آن دستگاه خلقت انسانی از کار می‌افتد. اگر با دقت نگریسته شود و سهم مرد را در دستگاه خلقت در نظر گرفت، سهم او در این دستگاه عبارت است از: لحظات محدودی از لذت در موقع تخلیه نطفه، بسیار ناچیز است و قابل مقایسه با سهم زن که با تمام موجودیت در اجرای فرمان خلقت به تلاش می‌افتد نمی‌باشد، و برای او نقص ارزشی محسوب نمی‌شود. ثانیاً، با نظر به محدودیت طبیعی ارتباطات زن با حوادث و رویدادهای بسیار گوناگون است که مرد در آنها غوطه‌ور است و توانایی دقت و بررسی عوامل و مختصات و

تکوینی یکسانی دارند و اشتراک همه انسان‌ها در انسانیت به مرد و زن بودن آنها مربوط نمی‌گردد. به عبارت دیگر، زنان و مردان ارزش‌های اخلاقی یکسانی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۷۲۳) و تنها معیار برتری نزد خداوند کرامت انسانی و تعالی روحی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ» (حجرات: ۱۳).

لازم است که در مورد شناخت زن به وسعت‌ها، عمق‌ها و آدرس‌های ارائه‌شده در قرآن مراجعه شود. آن حوزه تعریفی که خدا از زن بیان نموده است. در آیه ۶ آل‌عمران فرمود: «يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ...» صورتگری در رحم زن اتفاق می‌افتد، صورتگری که تکون خلقت است که خدا در درون زن، به وسیله زن انجام می‌دهد، «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱). وسیله حلال و حرام زن، خوراکش، چشم و گوشش، تفکر و اندیشه‌اش در طفل اثر دارد. از این‌رو توجه به ویژگی‌های جنسیتی زن یکی از شاخصه‌هایی است که در سپردن مناصب و مسئولیت‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است.

امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} در خطبه ۸۰ نهج البلاغه به بیان برخی ویژگی‌های زنان پرداخته است. در این خطبه ایشان به سه موضوع اشاره فرمودند: نقص ایمان، نقص عقل، نصف بودن ارزش شهادت زن در مقایسه با مرد، این مطلب با استناد به شرح علامه بحرانی (بحرانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۴) نقل شده که یکی از جلوه‌های کرامت انسان عقل است که جلوات آن در زن و مرد متفاوت است. عقل از عقل به معنای نگهدارنده و بازدارنده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۸). در جای دیگر، عقل به معنای حفظ نیز آمده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۲) و با معنای حفاظت و حراست کردن نیز گفته می‌شود (عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵). در مجموع عقل در لغت به معنای نگه داشتن و حفاظت کردن می‌باشد. عقل در اصطلاح به معنای «قدرت تشخیص» خوب و بد است و عقل به این معنا، شرط تعلق تکلیف می‌باشد و عقل یکی از شرایط عام تکلیف است که بین زن و مرد مشترک است و می‌توان گفت با معنای کاربردی عقل در قرآن یکسان است و عقل در معنای تسلط بر نفس، انسان را از حرکت در مسیر انحطاط بازمی‌دارد و یکی از نتایج به‌کارگیری قوه تعقل است و برای هریک از زن و مرد یکسان بوده و در صورتی که هر دو پیرو هوای نفس باشند نمی‌توانند از عقل خود بهره ببرند.

نگاه حاکم از بین رود، حکمت حیض زنان جهت پرورش انسان آشکار می‌شود که با توجه به طبیعی و تکوینی بودن قاعدگی، خون دیدن زن با مقام و جایگاه او منافاتی ندارد.

۸. ارزش گذاری جنس زن با توجه به واژه حرث

یکی از تعبیرهایی که در قرآن به جنس زن نسبت داده شده، واژه «حرث» در آیه ۲۲۳ بقره است که فهم درست این آیه تأثیر بسزایی در بازنمایی نگاه قرآن به موضوع زن و شخصیت وی دارد. لغت‌شناسان معانی مختلفی را برای واژه حرث ذکر کرده‌اند، گروهی واژه حرث را به معنای زرع در نظر گرفته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۹؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹۴). درحالی‌که معنای حرث و زرع با هم کاملاً متفاوت است. منظور از «حرث» در آیات پاشیدن بذر در زمین و آماده کردن زمین است و مراد از رویاندن و رشد و نمو کردن است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹، ص ۳۳۲). در این آیات واژه‌های «حرث و زرع» در کنار هم ذکر شده‌اند و بیانگر تفاوت معنایی آنهاست.

«حرث» کاشتن دانه‌ای از طعام در زمین است، اما «زرع» رویاندن نبات است تا زمانی که به بلوغ برسد. خداوند در آیه، فعل حرث را به انسان نسبت داده و کار زرع را به خودش نصب فرموده است (عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۲). برخی حرث را زمین و محلی که در آن بذر پاشیده می‌شود و آن حاصلی که از زمین روییده می‌شود، «زرع» می‌دانند. خود زمین و زراعت را هم «حرث» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۶). بعضی «حرث» را معنای کار در زمین کشاورزی و کاشتن گزارش کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

خداوند در این آیه قرآن با ظرافتی زیبا، زن را به کشتزار تشبیه کرده است؛ زیرا برای بهره‌وری مناسب از زمین، باید قبل از کشت شرایط لازم آن فراهم شود. درواقع زن به مثابه «حرث» از حیث «چیستی» مکانی است که مکان باروری و رویش است. کلمه «حرث» یکی از کاربردهای آن کنایه از رابطه زناشویی و جنسی است که ۱۴ بار در ۱۱ آیه قرآن با مشتقاتش ذکر شده که قرآن با ظرافت ادبی به جایگاه و محل تولد فرزند اشاره کرده است (ابن‌کثیر،

نتایج آنها را بیش از زن دارا می‌باشد و کنجکاوی مرد و نفوذ فکری او در ریشه‌های حوادث، یک امر طبیعی است که در نتیجه قرار گرفتن مرد در امواج گوناگون و تلاطم‌های متنوع زندگی به وجود می‌آید. به خاطر همین است که شهادت زن‌ها در موارد زیادی حتی بدون تعدد، مساوی شهادت مردها می‌باشد. مانند شهادت زن در روزهای قاعدگی به خاطر وضعیت روانی که دارد و هنگام بارداری، به خاطر فرزندی که در شکم دارد (جعفری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۸۷). از استعدادهای انسان، استعداد تکلیف‌پذیری اوست، مرز قبول تکلیف در زن و مرد بلوغ شرعی است، از شرایط دیگر تکلیف، برخورداری از نیروی عقل است و عقل یکی از ملزومات مکلف شدن است؛ در نتیجه، با توجه به معنای عقل در قرآن و روایات نمی‌توان پذیرفت که خداوند متعال تکلیف را امری مشترک بین زن و مرد قرار داده و همه انسان‌ها را به تعقل تشویق نماید، ولی بهره یکی از دو جنس را از قوه عقل و خرد کمتر از دیگری بداند! درواقع می‌توان نقص عقل را در زنان ضعف در حفاظت و امنیت معنا کرد و نقص عقل را با معنای لغوی منطق دانست و معنای اصطلاحی آن در قرآن و روایات سازگاری ندارد. از این رو ویژگی‌های جنسیتی زن که او را در خلقت متمایز از مرد قرار داده و جنس مرد را خواهان و شیفته و دلباخته او کرده به‌عنوان عاقل خارج از ذات جنس زن موجب گردیده تا جنس زن برای امنیت خود نیازمند «محافظت ویژه» باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ هاشمی خوئی، ۱۳۵۸، ج ۱۴، ص ۳۲۰؛ حسنی بیرجندی، ۱۳۷۸، ج ۳۲، ص ۲۴۸). می‌دانیم که بلوغ تغییرات ناگهانی شبیه نوعی جهش در اندام، احساس و اندیشه انسان است. زمان متفاوت این بلوغ در دختر و پسر قابل توجه است. به نظر می‌رسد خدای تعالی، دختر را بسیار زودتر از پسر واجد این شرایط دانسته که او را ۹ سالگی مورد خطاب خود قرار داده است و قدرت تعقل او را در درک انجام وظایف شرعی و احکام و حدود آیات شناخته که قرار داده، درحالی‌که این بلوغ در پسران اتمام ۱۵ سالگی است (همایونی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

این تغییرات طبیعی و خدادادی زن، گاهی موجب رنج و شرم او می‌شود؛ چراکه نوع نگاه به زن در این خصوص معمولاً تحقیرآمیز است و اگر ارزش و جایگاه زن از نظر فیزیکی و روحی با استناد به آیات قرآن و دلایل علمی، مورد توجه بیشتری قرار گیرد و این نوع

۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۴۱؛ قرطبی ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۹۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۴۵). به خاطر اینکه رحم زن، محل قرار گرفتن نطفه است و نطفه به منزله بذر است و فرزند ثمر این بذر است. خداوند زن را از این جهت شبیه کشتزار قرار داده که اگر در زمین کشتی نشود، زمین بی ثمر می ماند. و همه بشر از گرسنگی می میرند. اگر مرد در زن کشت نکند، نسل بشر منقرض می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۱).

زن، حافظ بقای حیات انسانی است و سرمایه احساس او، نقش وی را در تربیت نیروی انسانی حساس تر کرده است. همان طور که سرمایه تعقل او زمینه معرفت و تعالی انسان ها را فراهم می آورد. اسلام برای ساختن جامعه فاضله، نخست به ساختن و تربیت زنان اقدام نمود و تا توانست به زن شخصیت داد. قرآن دو ویژگی طبیعی و اجتماعی زن را که بر مبنای خصوصیات طبیعی او بنا شده است در ایفای تمامی وظایف اجتماعی او اثر می نهد مطرح می نماید (همایونی، ۱۳۸۳، ص ۳۴). یکی از آیاتی که زن را به منزله کشتگاه نوع انسان و مهد پرورش نیروی انسانی دانسته، این آیه است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَتَى شَيْتَمُ وَقَدِمُوا لِانْفُسِكُمْ، وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)؛ زنان کشتزار شمايند، پس هرگاه خواستيد به کشتزار خویش آييد و برای خود پيش فرستيد (اعمالتان) را و تقوا ورزيد و بدانيد او را ملاقات خواهيد کرد و مؤمنان را مژده دهيد. به ظاهر آيه توجه کنيد، شايد تعجب کنيد چرا قرآن زن را تا حد زمین مزروعی پایین آورده است؟! هدف اصلی و نهایی زناشویی، تناسل و تولد است و لذت یک عامل مکانیکی خالص است که طرفین را آگاهانه یا ناآگاه در مجرای به وجود آمدن هدف قرار می دهد. بنابراین مخاطب آیه «حرث» مردان هستند که هوشیار باشند که شما در عمل جنسی لحظاتی را به سر می برید که لحظات «انسان سازی» است و در حال (کاشتن) تخم انسانی به تکاپو افتاده اید که از منهای بی نهایت تا به اضافه بی نهایت می تواند متنوع بوده باشد (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۸۵).

زنان شما کشتزار شمايند، یعنی چه؟ کلمه حرث، این معنا را دربر دارد که شرط اصلی پرورش دانه، کشتزاری است که بذر در آن قرار می گیرد. زن کشتزار نسل بشریت است. «نساءکم حرث لکم»، یعنی شخصیت ممتاز زن، رحم یکی از دارایی های زن است، یک قاعده

کلی که یکی از اتفاقاتش تکون خلقت است، ولی آثارش بی نهایت است، رحمی که زن را در بوته امتحان و حوادثی قرار می دهد که ۹ ماه می شود قلم الهی، مظهر سمع و بصر الهی، ۹ ماه لباس خدمت به خالق را می پوشد. امام خمینی علیه السلام می فرماید: مرد از دامن زن به معراج می رود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۳۴۱). مگر زن چه مختصاتی دارد که هویت مرد در آن معراجی می شود که آیت الله جوادی آملی می گوید: زن در آینه جلال و جمال الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). در مرد و زن قوای شریفه ای وجود دارد به نام قوه شهویه، این دو تا همدیگر را جاذباند، که این احساسات در حالات انسان تولید می شود و زن فقط دفع کننده لذایذ خودخواهانه مرد نیست، بلکه در آن حال، دو بُعد انسان سازی مرد و زن با همدیگر تلاقی کرده است، بُعد پذیرش زن، مانند بُعد پذیرش کشتگاه است که تخم را می پذیرد و بُعد فاعلیت مرد، بُعد پاشندگی تخم است، این دو بُعد، حالت نمایانگری طبیعی مرد و زن است و واقعیت جریان والا تر از این تشبیه است. چه زیبا می گوید مولانا: لشکریان الهی از صلب و ترائب حرکت می کنند و در قرارگاهی به نام «رحم» با هم ملاقات می کنند. قرآن هریک از طرفین را صریحاً عامل آرامش طرف دیگر قرار می دهد: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آنان لباس شما و شما لباس آنانید. در آیه ۲۲۳ بقره به وضعیت بدنی زنان در روابط زناشویی اشاره شده است. موقعیت پذیرندگی در زناشویی و پیامدهای احتمالی آن مانند بارداری برای زنان وضعیت متمایزی را ایجاد کرده است. این تفاوت، یکی از ویژگی های مهم فیزیولوژیکی و بیولوژیکی زنان است که نقش آنان را هم در رفتار و اخلاق جنسی و هم در تولیدمثل متفاوت می سازد. زن به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد، وظیفه ای بزرگ که انجام آن، محور اساس صلاح فردی و اجتماعی بوده و عدم انجام آن، اساس فساد فردی و اجتماعی می باشد. مسئولیتی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و تکلیف عقلی و دینی انجام رساند به کمال انسانی خود خواهد رسید و بهشت را زیر پای خویش خواهد دید، ولی رها ساختن و کنار زدن آن جایگاه که زیربنای تکوینی مسئولیت انسانی و تکلیف الهی است، زن را به پایین ترین مرتبه وجودی تنزل خواهد داد، چنان جایگاهی عبارت است از: پرورش و آماده سازی انسان. زن، کشتزار نسل بشری است،

ادبیات و علم و فهم ویژه‌ای را می‌طلبید. از این رو هویت حقیقی انسان از نگاه متعالی خالق، شنیدنی و گفتنی است، و این یکی از دلایل اعجاز قرآن است که مرد و زن را در اوصاف عالی انسانی مشترک نموده است. قرآن ضمن تأکید بر تشابه کامل زن و مرد در قابلیت تولیدمثل در آیه ۲۲۲ بقره و ۶ آل عمران اشاره به «رحم» و پاک‌سازی و حفظ محل تکون و خلق دارد که زن حافظ و در این بستر به نقش‌آفرینی خوانده شده است و آیه ۲۲۳ هویت زن «حرث» مطرح شده که برای مرد موضوعیت حضور و برای زن دلیل حضور تعریف می‌نماید. اثبات برخورداری زن از همان جایگاه ارزشی است که برای مردان وجود دارد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۸۸). ترجمه محمد دشتی. چ پنجم. تهران: پیام عدالت.
ابراهیمی، لیلی و دیگران (۱۴۰۱). دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی انتقادی آرای نواندیشان معاصر درباره آن، علوم قرآن و حدیث، ۲۰ (۴).
ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷م). جمهره اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۱۰ق). رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن. تحقیق محمود. دمشق: مطبعة نصیر.
ابن فارس، احمد بن رکیبا (۱۴۰۶ق) مجمل اللغة. تحقیق زهیر عبدالحسین سلطان. بیروت: مؤسسة الرسالة.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
ارسطو (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
ازهری، محمد بن احمد (۱۹۸۱م). التهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
آسیموف، آیزاک (۱۳۷۲). اسرار مغز آدمی. ترجمه محمود بهزاد. تهران: علمی و فرهنگی.
آکین، سوزان مولر (۱۳۸۳). زن از دیدگاه فلسفه غرب. ترجمه نادر نوری‌زاد. تهران: قصیده سرا

بحرانی، میثم بن علی (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر کتاب.
جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. چ هشتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹). فرهنگ اصطلاحات تخصصی. چ دوم. تهران: رسالت یعقوبی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم. ج دوم (فطرت در قرآن). قم: اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). زن در آینه جلال و جمال. چ هفدهم. قم: اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تسنیم (تفسیر قرآن کریم). چ پنجم. قم: اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه.

نگه‌دارنده و حافظ بقای حیات است و کرامت آدمی بسته به کرامت زن است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...» (بقره: ۲۲۳). کشتزاری که شرط اصلی محصول مناسب را ندارد، اگر بهترین بذر هم در آن کاشته شود، هرگز به بار نخواهد نشست، پس اینکه خداوند رحم و دامن زن را کشتزار رشد و پرورش انسان قرار داده است، شرط اساسی ایمان و انسانیت و فضائل اخلاقی را در آن به ودیعت گذاشته است که از جمله عاطفه، مهر و دلسوزی است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: «نداختن مسئولیت اصلی تشکیل نوزاد انسانی بر عهده مادر از لحاظ روان‌شناسی چنین معنا می‌دهد که زن درواقع سرچشمه زندگی است، طبق قانون توارث، هر موجودی صفات و خصوصیات جسمانی و روحی خود را به موجود مستقر در صلب و بطنش منتقل می‌کند، اگر صفات و حالات منتقل شده به کودک، جهت انسانی و اعتقادی مثبت داشته باشد، زمینه رشد شخصیت مثبت انسانی قوی‌تر از شخصیت منفی خواهد بود» (دورانت، ۱۹۷۵-۱۹۳۵، ص ۲۷۴). به همین دلیل، پیشوایان دینی تأکید بر ازدواج با زن صالحه دارند. حضرت علی (ع) پس از شهادت حضرت زهرا (س) از برادرش عقیل خواستند با توجه به علم انساب، همسری برای ایشان انتخاب کند که عالمه و عاقله و بصیره و از خاندانی شجاع باشد تا فرزندان قوی و شجاع و بالایمان به دنیا آورد. آنگاه که ترس فرزندان محمد حنفیه را در رویارویی با دشمن در جنگ جمل دید، آن روحیه را از آثار به‌جای‌مانده از مادرش دانسته و فرمودند: «أَدْرَكَكَ عِرْقُ مِنْ أُمِّكَ» (نجفی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴). این سخن نشان می‌دهد که ویژگی‌های اخلاقی و روحی مادر به طور مستقیم بر فرزندان تأثیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه قرآن ساختار مهندسی‌شده ویژه‌ای دارد، هرچه در ظرافت‌های ساختاری و چینش آیات دقیق‌تر می‌شویم به ظرفیت‌های ژرف‌تر محتوایی پی می‌بریم و می‌توانیم گوهرهای ارزشمندتری صید کنیم. با توجه به اینکه ارزش‌گذاری نسبت به جنس زن، امری حساس بوده است. طبق آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹)، روح مؤنث و مذکر نداشته و این وجوه از ابتلائات روح الهی انسان که جهت درک آن

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: بیدار.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۹). زن در مفاهیم بدیع قرآنی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۵، ۴۲-۴۷.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. چ چهارم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مولوی، محمد و دیگران (۱۳۹۴). تحلیل و نقد معنای واژه «انی» در ترجمه‌های فارسی قرآن؛ با تأکید بر نقش سیاق در ترجمه. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۲۰ (۸)، ۱۷-۳۶.

نجفی یزدی، سید محمد (۱۳۷۸). *ازدواج و رابطه زن و مرد*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نوری‌زاد، صمد (۱۳۸۳). *آن سوی آیها؛ نگرشی بر اعجازهای پزشکی قرآن*. قم: آیت عشق.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۵۸). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مکتب الاسلامیه.

هماپوئی، علویه (۱۳۸۳). *زن مظهر خلاقیت الله*. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.

تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.

حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۹). *شرح و ترجمه مصباح‌الانس*. قم: آیت اشراق.

حسنی بیرجندی، حسین (۱۳۷۸). *غریب الحدیث فی بحار الانوار مجلسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.

دورانت، ویلیام جیمز (۱۹۳۵-۱۹۷۵). *تاریخ تمدن*. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: علمی و فرهنگی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق علی هلالی. بیروت: دارالفکر.

سلحشور، ماندانا (۱۳۸۵). *طبیعت بلوغ دخترها را بشناسیم*. پیوند، ۳۲۱، ۳۲۲-۳۲۳.

سلیمان‌پناه، سیداحمد (۱۳۸۴). *پژشک خانواده: شناخت قاعدگی و اختلافات آن*. تهران: شهروند.

سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۱۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*. بیروت: دارالفکر.

صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتب.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. چ دوم. قم: فرهنگ اسلامی.

صافی، محمود بن عبدالرحمان (۱۴۱۸ق). *الجدول فی اعراب القرآن*. بیروت: دار الرشید.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق). *التوحید*. تصحیح سیدهاشم حسینی طهرانی. قم: جامعه مدرسین.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶). *علل الشرایع*. نجف: الحیدریه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چ پنجم. قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق احمد حسینی اشکوری. چ سوم. تهران: مکتبه المرتضویه.

عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق). *معجم فروق اللغات*. قم: جامعه مدرسین.

علائی رحمانی، فاطمه (۱۳۶۹). *زن از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.

فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمینیسیم*. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الاصفی فی التفسیر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

قزائی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع الاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

گرت، استفانی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتایون بقایی. تهران: جامعه‌شناسان.